

## هرو و جنگ تروا

- ۲ -

جنگ تروا که یکی از تاریخی ترین نبردهای یونانیان بشمار میرود و حوادث آن موضوع اشعار جاودان همراس است مانند برخی از جنگهای معروف تاریخی ناشی از عشق بوده است و این عشق نیز داستانی شنیدنی دارد. قهرمان این داستان (پاریس) پسر (پریام) یکی از پادشاهان معروف تروا است. در تاریخ یونان مسطور است که هکوبامادر پاریس بوسیله رؤیائی از آتشی که میبایستی بدست پاریس برافروخته شود و اساس پادشاهی پریام را وازگون نماید و کشور تروا را با خاک یکسان کند قبلاً آگاه گردید. توضیح آنکه هکوبادر ایام کودکی پاریس بخواب دید که شعله ای بگهواره کودک وی افتاد و بزودی گهواره و تمام کاخ را طعمه حریق سهمگینی ساخت. هکوبا سراسیمه از خواب برخاست و چون دید پاریس سالم است و بکاخ نیز آسیبی وارد نیامده بسی شادمان شد با اینهمه این خواب اسرارآمیز او را رنج میداد تا بحدی که ناگزیر شد موضوع را باشوهرش (پریام) در میان نهد.

در آنزمان یونانیان تقریباً یقین داشتند که خدایان بوسیله خواب آدمیان را از حوادث آینده آگاه میسازند و بهمین جهت طبقه ای از مردم تیزهوش بودند که تمام وقت خویش را صرف تعبیر و تفسیر این خوابها میکردند و گاه در میان آنان استادان تمام عیاری در این فن یافت میشدند.

پریام و زنش نیز با پیروی از رسم معمول کسی نزدیکی از این استادان فرستادند و تعبیر خواب را از وی خواستار شدند و چون غیبگو گفت پاریس مأمور است وطن خویش را غرق در خون نماید چند روزی دربار پریام سوگوارش و آنکه پریام برای آنکه تروا را از انهدام قطعی رهائی بخشد به غلامان خویش دستور داد پاریس را بجنگل دور دست و خطرناکی ببرند که یا حیوانات وحشی او را طعمه خویش سازند و یا آنکه مرگش بر اثر گرسنگی و سرما از هر حیث قطعی و مسلم باشد.

رؤسا و خوانین کرد که در روز ۲۱ آذرماه در جریان رژه تیب سنندج  
شرکت نموده‌اند



بیگ‌زادگان طوایف اورامان

رؤسا و خوانین طوایف مریوان



رؤسا و بیگ‌زادگان طوایف کماشی



رژه طوایف گل‌باغی

رژه طوایف اورامان

دو  
رئوف  
رمان  
در  
بستی  
شور  
کی  
واره  
است  
شدبا  
تفوع  
بیان  
دند  
بیان  
دان  
مور  
شد  
یش  
مشی  
تیت

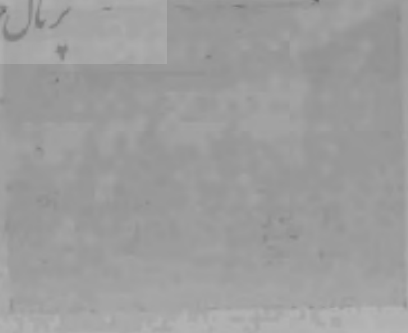
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



رتال جامع علوم انسانی



ژرفايشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



رتال جامع علوم انسانی

رتال جامع علوم انسانی

بنابر این کودک بیگناه از گهواره راحت و کاخ پرشکوه خویش به جنگل هولناکی انتقال یافت . اما بر حسب تصادف شیونهای دلخراش کودک بگوش صیادی رسیده و او را بر آن داشت که بتجسس صاحب صدا بپردازد پس از آنکه او را یافت دریغش آمد که چنین کودک زیبایی را بدست ددان بسپرد و بهمین جهت او را بخانه خویش برد و از همسرش تقاضا کرد که کودک را با سایر فرزنداناش پرورش دهد .

حشر و آمیزش باشکار چیان و زندگی در محیط کار و فعالیت موجب آن شد که پاریس بسیار برومند و قوی بار آمد بطوریکه چندین بار به آتن رفت و در مسابقه های قهرمانی که در آن شهر بافتخار خدایان برپا میشد شرکت جست و چنان قوی و زبردست بود که همیشه باسانی بر سایر شاهزادگان مانند هکتور برادرش و قهرمانان دیگری که در این قبیل بازیها شرکت میجستند پیروز میشد و هر گاه که برای دریافت تاج بر گزیتون که علامت ظفر قهرمانان بود میرفت شباهتش به شاهزادگان فوق العاده جلب توجه میکرد و خواهرش ( کاساندرا ) که در پیشگونی بسیار دست داشت چندبار صریحا گفت که او پسر پیام است و بدون شبهه خطر بزرگی متوجه تروا خواهد کرد .

اما پادشاه و ملکه باین سخنان کمترین وقعی ننهادند بلکه برعکس نسبت به این جوان نیرومند و ورز شکار عظایت خاصی میدول داشتند تا بعدی که پاریس از پادشاه تقاضا کرد که يك كشتی در اختیارش بگذارد تا بتواند به نقاط دور دست مسافرت کند پیام فورا در خواستش را اجابت کرد و شاهزاده پرشور شروع بدریا نوردی نمود و از این جزیره به آن جزیره و از این شهر به آن شهر میرفت تا سرانجام به منطقه جنوب شبه جزیره پلویونز رسید که در آنجا اعقاب ( هر کول ) شهر عظیم اسپارت را ایجاد کرده بودند . ( منلائوس ) پادشاه اسپارت مقدم وی را گرامی شمرد لکن چون دوسه روز پس از ورود پاریس به اسپارت منلائوس ناگزیر شد مسافرت مختصری نماید از زنش هلمن که زیباترین و دلفریب ترین زن دنیا بود تقاضا کرد که منتهای محبت و ملاحظت را نسبت به میهمان تازه وارد مرعی دارد و آنچه را که در خور پذیرائی يك شاهزاده اصیل و نجیب است در حق وی بجای آورد تا وی از مسافرت باز گردد .

هلن آقدر نسبت به پاریس مهربانی کرد و صورت زیبا و اندام بیمانندش چنان از این مهمان دل ربود که اندیشه خیانت به منلائوس در ذهنش راه یافت شروع بفریفتن هلن نمود و با سخنان افسونگر بروی مسلط شد و سوگندیاد کرد که ونوس الهه عشق به وی صریحاً خبر داده است که باز بیاترین زن جهان ازدواج خواهد کرد.

این سخنان فریبنده بتدریج کار خود را کرد تا بحدی که زن دلربا حاضر شد بشوهرش خیانت ورزد و به همسری پاریس در آید و با کشتی وی راه تروا را پیش گیرد بدیهی است که این خیانت مانند همه خیانتها عاقبت خوشی برای پاریس نداشت و نه تنها او را گرفتار خشم الهی کرد بلکه آتشی روشن نمود که سالیان دراز مشتعل بود و ملیونها مردم بیگناه را همچون ازدهای هولناکی بلعید.

توضیح آنکه چون منلائوس بخانه باز گشت و بخیانت حیرت انگیز مهمان دیوسیرت خویش پی برد بخدایان سوگند خورد که تا انتقام این خیانت پست را از پاریس نگیرد و هلن زیمارا به اسبارت بازنگرداند آرام ننشیند.

به همین جهت بیدرنگ برای جنگ آماده شد نامه های مؤثری به پادشاهان اطراف نگاشت و آنها را از خیانت ننگین پاریس و لزوم گوشمال دادن مردی که به شاهان یونان چنین اهانتی نموده بود یاد آور شد و از آنها تقاضا کرد که در چند روز اولی اجتماع نمایند تا جمعا از آنجا بطرف تروا رهسپار گردند و آن شاهزاده خائن را بجزای اعمال خویش رسانند و خود نیز با فعالیت هر چه تمامتر به تهیه وسائل جنگ پرداخت و شب و روز بخت تانافوگان نیرومند و تندروی برای حرکت بطرف تروا آماده ساخت ...

تاتمام

